

بوم خبر

راه اندازی سامانه‌ای
برای ثبت آثار هنری

مدیر مجموعه فرهنگی هنری کاما از راه اندازی بانک اطلاعاتی آثار هنرمندان خبر داد و گفت که با ایجاد این بانک اطلاعاتی یک مرجع پژوهشی برای مراکز علمی و دانشگاهی به وجود خواهد آمد که در عین حال غیر قابل دسترس و جعل خواهد بود.

نشست خبری پروژه معرفی سیستم ثبت آثار هنری در بلاک چین شنبه ۱۱ آبان ماه با حضور مونا خوش اقبال مدیر مجموعه فرهنگی هنری کاما، جاوید رضائی منتقد هنری، فاروق مظلومی منتقد هنری، رضارهنمای مقدم مسئول آئی تی این پروژه و وهاب منتظری و کیل دادگستری در گالری کاما برگزار شد.

مدیر مجموعه فرهنگی هنری کاما درباره پروژه «کاما چین» توضیح داد: یکی از معضلات جامعه هنری در سال‌های اخیر تأیید اصالت و ثبت اصالت آثار هنری است. مجموعه فرهنگی هنری کاما در یک تلاش یک و نیم ساله به منظور مقابله با کپی و سرقت آثار هنری، اصالت آثار را در سیستم بلاک چین به ثبت می‌رساند. تاکنون نیز آثار ۳۷ هنرمند و از هر هنرمند پنج اثر در بلاک چین به صورت مستقیم توسط هنرمندان ثبت شده است.

در ادامه رضارهنمای مقدم گفت: بلاک چین سیستمی است که تنها یک آرگان بر سیستم آن نظارت ندارد؛ ما از بلاک چین به عنوان اطلاعات اصلی استفاده می‌کنیم، هر کسی می‌تواند به اطلاعات آن دسترسی داشته باشد ولی امکان تغییر آن را نخواهد داشت. افراد مختلفی می‌توانند صاحب این آثار هنری در بلاک چین باشند و حتی می‌توانند مالکیت آن را به فرد دیگری انتقال دهند، به نوعی شبیه یک حساب چندامضایی است.

تعیین اصالت و ورود اطلاعات به نگ و ثبت روی بلاک چین، روشی است که اکنون توانایی انجام آن را دارند. اگر بعداً تکنولوژی‌های تازه‌ای بهتر از بلاک چین وجود داشته باشد طبیعتاً امکان انتقال اطلاعات به آن وجود خواهد داشت.

رضا بیبیزی هنرمند تصویرگر با اشاره به اصلی‌ترین این نابسامانی‌های می‌گوید: ارتباط میان نویسندگان و تصویرگر به خلق تصویر بهتر یا حتی نوشتن متن خواندنی‌تر کمک می‌کند و در بسیاری کشورهای پیشرفته نویسنده و تصویرگر با هم و در کنار هم کار می‌کنند اما در ایران ارتباط چندانی بین این دو وجود ندارد و هر کدام، راه خود را می‌روند. بیشتر کتاب‌های کودک و نوجوان ما ترجمه است نه تألیف؛ بسیاری از ناشران ما بیش از آن که نشر را یک فعالیت فرهنگی بدانند به آن به چشم یک فعالیت اقتصادی نگاه می‌کنند. نبود قانون کپی‌رایت، یکی دیگر از مشکلات جدی نویسندگان و تصویرگران است. ما کپی‌رایت نداریم اما بعضی ناشران این حق را برای خود قائل‌اند و خیلی راحت از تصاویر کتاب‌های کودک ترجمه شده استفاده می‌کنند. کاش می‌شد قانونی وضع‌ودر اختیار ناشران در انتشار کتاب‌های ترجمه محدود شود تا ناشران دست کم به میزان آثار ترجمه‌ای کتاب‌هایی تألیفی هم منتشر کنند. این کار هم فرهنگ ایرانی را زنده می‌کند هم نویسنده‌ها و تصویرگران تالین اندازه بی‌کار نمی‌مانند.

جاوید رضائی درباره نحوه اصالت سنجی آثاری که در سیستم «بلاک چین» به ثبت می‌رسند گفت: سه لایه اصلی برای تشخیص اصالت یک اثر هنری داریم. یکی لایه «تطبیقی» است که کارشناسانی که قدرت تشخیص قلم و حال و هوای هنرمند را می‌شناختند، اصالت را تأیید می‌کردند. دوم «لایه پژوهشی» است و اگر کارشناس می‌گوید اصیل است به این دلیل است که امکان مطابقت تصویری بین مثلاً امضای هنرمند در دو اثر وجود دارد. سوم لایه «علمی» است که با استفاده از پالت‌های آزمایشگاهی و مطابقت اثر جدید با اثر پیشین بر اساس ساختار شیمیایی اثر صورت می‌گیرد.

فاروق مظلومی نیز ثبت آثار هنری در سیستم کاما چین را امتیاز مناسبی برای تطبیق آثار هنری دانست و گفت: فعلاً داده‌های توصیفی را وارد سیستم «کاما چین» کرده‌اند و آنچه مهم بوده، ابعاد و زمان تولید آثار است. ولی پیشنهاد من ورود داده‌های هندسی به سیستم است که در آینده امکان مطالعات تطبیقی خواهد بود. این سیستم می‌تواند در حوزه مطالعات تطبیقی به کمک هنرمندان و نقد آثار هنری بیاید.

ایمن منتقد هنری درباره ضرورت نقد تکنولوژیکی در هنر اظهار کرد: سیستم بلاک چین برای نقد آثار هنری شروع بسیار خوبی است. در واقع جای نقد تکنولوژیکی در میان نقدهای هنری خالی بود؛ مثلاً امروز می‌توان با از چه منظرهایی متاثر از آثار پیشین است، در حالی که در ظاهر شباهتی وجود ندارد. شرایط نقد تجسمی در ایران بسیار دوستانه است و تقریباً می‌توان گفت نقد جدی نداریم؛ اما اگر بتوان به یک هنرمند نشان داد که اثر او کپی نامحسوس است، خود اعتبار سنجی به کار هنرمند اعتبار افزوده می‌بخشد.

ارتباط میان نویسندگان و تصویرگر به خلق تصویر بهتر یا حتی نوشتن متن خواندنی‌تر کمک می‌کند و در بسیاری کشورهای پیشرفته، نویسندگان و تصویرگر با هم و در کنار هم کار می‌کنند؛ اما در ایران، ارتباط چندانی بین این دو وجود ندارد و هر کدام، راه خود را می‌روند

خوب باید اصول زیبایی‌شناسی حفظ شود، کودکان، البته نه همه کودکان، با اثر ارتباط برقرار کنند و تصویر خوب باید حرفی اضافه‌تر از متن داشته باشد.

در حوزه تصویرسازی عمدتاً با چه نابسامانی‌هایی به عنوان نمونه روبه‌رو هستیم؟

رضا بیبیزی هنرمند تصویرگر با اشاره به اصلی‌ترین این نابسامانی‌های می‌گوید: ارتباط میان نویسندگان و تصویرگر به خلق تصویر بهتر یا حتی نوشتن متن خواندنی‌تر کمک می‌کند و در بسیاری کشورهای پیشرفته نویسنده و تصویرگر با هم و در کنار هم کار می‌کنند اما در ایران ارتباط چندانی بین این دو وجود ندارد و هر کدام، راه خود را می‌روند. بیشتر کتاب‌های کودک و نوجوان ما ترجمه است نه تألیف؛ بسیاری از ناشران ما بیش از آن که نشر را یک فعالیت فرهنگی بدانند به آن به چشم یک فعالیت اقتصادی نگاه می‌کنند. نبود قانون کپی‌رایت، یکی دیگر از مشکلات جدی نویسندگان و تصویرگران است. ما کپی‌رایت نداریم اما بعضی ناشران این حق را برای خود قائل‌اند و خیلی راحت از تصاویر کتاب‌های کودک ترجمه شده استفاده می‌کنند. کاش می‌شد قانونی وضع‌ودر اختیار ناشران در انتشار کتاب‌های ترجمه محدود شود تا ناشران دست کم به میزان آثار ترجمه‌ای کتاب‌هایی تألیفی هم منتشر کنند. این کار هم فرهنگ ایرانی را زنده می‌کند هم نویسنده‌ها و تصویرگران تالین اندازه بی‌کار نمی‌مانند.

رضا بیبیزی هنرمند تصویرگر با اشاره به اصلی‌ترین این نابسامانی‌های می‌گوید: ارتباط میان نویسندگان و تصویرگر به خلق تصویر بهتر یا حتی نوشتن متن خواندنی‌تر کمک می‌کند و در بسیاری کشورهای پیشرفته نویسنده و تصویرگر با هم و در کنار هم کار می‌کنند اما در ایران ارتباط چندانی بین این دو وجود ندارد و هر کدام، راه خود را می‌روند. بیشتر کتاب‌های کودک و نوجوان ما ترجمه است نه تألیف؛ بسیاری از ناشران ما بیش از آن که نشر را یک فعالیت فرهنگی بدانند به آن به چشم یک فعالیت اقتصادی نگاه می‌کنند. نبود قانون کپی‌رایت، یکی دیگر از مشکلات جدی نویسندگان و تصویرگران است. ما کپی‌رایت نداریم اما بعضی ناشران این حق را برای خود قائل‌اند و خیلی راحت از تصاویر کتاب‌های کودک ترجمه شده استفاده می‌کنند. کاش می‌شد قانونی وضع‌ودر اختیار ناشران در انتشار کتاب‌های ترجمه محدود شود تا ناشران دست کم به میزان آثار ترجمه‌ای کتاب‌هایی تألیفی هم منتشر کنند. این کار هم فرهنگ ایرانی را زنده می‌کند هم نویسنده‌ها و تصویرگران تالین اندازه بی‌کار نمی‌مانند.

در تصویرگری به تنها چیزی که تعمق نمی‌کنیم مخاطب و توانایی ادراک اوست. معمولاً جادوی شکل، طرح و رنگ آن چنان ما را به خود مشغول می‌کند که فکر نمی‌کنیم برای چه کسی کار می‌کنیم.

اقتضات و نابسامانی‌های حوزه تصویرسازی

اما گذشته از جنبه‌های هنری و خلاقانه تصویرسازی، با توجه به پیوند ناگسستنی این هنر با صنعت چاپ و نشر چه اقتضات دیگری را در این عرصه باید در نظر گرفت و موانع و معضلات عمده در این عرصه کدام است؟

فرشید مثقالی از هنرمندان پیشگام تصویرسازی معاصر و برگزیده جایزه آندرسن سال ۱۹۷۴، درباره معیارهای تصویرسازی خوب در ایران می‌گوید: در ایران، معیارهای شکلی، فرمی و نوآوری‌ها معیار قضاوت درباره خوبی و بدی کارها قرار گرفته‌اند و کلیت فرمالیستی چنان بر مکاتب تصویرگری حاکم است که تناسب سنی اثر و مخاطب و ارتباط متن و تصویر گسسته شده است. ولی منظر دیگری هم برای برآورد خوبی و بدی تصویرسازی‌ها وجود دارد و آن زاویه‌ای است که مخاطب به کار نگاه می‌کند. مخاطب یعنی کسی به غیر از ما که چیزی را برای او روایت می‌کنیم و وقتی مخاطب ما کودک است باید از کلمات ساده‌تر استفاده کنیم چون قصد برقراری ارتباط با این مخاطب را داریم و برای چنین کاری مهم نیست ما چه میزان دانش و توانایی داریم بلکه ما باید خودمان را به دانش مخاطب محدود کنیم. متأسفانه

فرشید مثقالی از هنرمندان پیشگام تصویرسازی معاصر و برگزیده جایزه آندرسن سال ۱۹۷۴، درباره معیارهای تصویرسازی خوب در ایران می‌گوید: در ایران، معیارهای شکلی، فرمی و نوآوری‌ها معیار قضاوت درباره خوبی و بدی کارها قرار گرفته‌اند و کلیت فرمالیستی چنان بر مکاتب تصویرگری حاکم است که تناسب سنی اثر و مخاطب و ارتباط متن و تصویر گسسته شده است. ولی منظر دیگری هم برای برآورد خوبی و بدی تصویرسازی‌ها وجود دارد و آن زاویه‌ای است که مخاطب به کار نگاه می‌کند. مخاطب یعنی کسی به غیر از ما که چیزی را برای او روایت می‌کنیم و وقتی مخاطب ما کودک است باید از کلمات ساده‌تر استفاده کنیم چون قصد برقراری ارتباط با این مخاطب را داریم و برای چنین کاری مهم نیست ما چه میزان دانش و توانایی داریم بلکه ما باید خودمان را به دانش مخاطب محدود کنیم. متأسفانه

فرشید مثقالی از هنرمندان پیشگام تصویرسازی معاصر و برگزیده جایزه آندرسن سال ۱۹۷۴، درباره معیارهای تصویرسازی خوب در ایران می‌گوید: در ایران، معیارهای شکلی، فرمی و نوآوری‌ها معیار قضاوت درباره خوبی و بدی کارها قرار گرفته‌اند و کلیت فرمالیستی چنان بر مکاتب تصویرگری حاکم است که تناسب سنی اثر و مخاطب و ارتباط متن و تصویر گسسته شده است. ولی منظر دیگری هم برای برآورد خوبی و بدی تصویرسازی‌ها وجود دارد و آن زاویه‌ای است که مخاطب به کار نگاه می‌کند. مخاطب یعنی کسی به غیر از ما که چیزی را برای او روایت می‌کنیم و وقتی مخاطب ما کودک است باید از کلمات ساده‌تر استفاده کنیم چون قصد برقراری ارتباط با این مخاطب را داریم و برای چنین کاری مهم نیست ما چه میزان دانش و توانایی داریم بلکه ما باید خودمان را به دانش مخاطب محدود کنیم. متأسفانه

زمانی که علت را جو یا شدیم به صراحت اعلام کردند که در بررسی‌هایی که مادر هنر تصویرسازی دنیا کردیم به این نتیجه رسیدیم که امروزه سه کشور در سیستم آموزشی تصویرسازی پیش‌تاز بوده و رشد عجیبی داشته‌اند: چین،

زاکر ب در کراسی و ایران. با توجه به آن که در سال‌های اخیر آموزش تصویرسازی در فرانسه بافت روبه‌رو شده ما آمده‌ایم تا با روش‌های شما که سبب چنین موفقیتی شده آشنا شویم. این مطلبی بود که استادان دانشگاه آرت دکو پاریس اظهار می‌کردند و برای من بسیار جالب بود که برخلاف تصور عمومی ما ایرانی‌ها که فکر می‌کنیم این ما هستیم که باید برویم و از دستاوردهای آنان بهره ببریم، اما این بار غریب ما را پیشرو می‌بینند و برای یافتن روش و بهره‌برداری از تجربیات ما به کشور ایران می‌آیند.

زیبایی‌شناسی تنها معیار ارزیابی تصویرسازی‌هاست؟

فرشید مثقالی از هنرمندان پیشگام تصویرسازی معاصر و برگزیده جایزه آندرسن سال ۱۹۷۴، درباره معیارهای تصویرسازی خوب در ایران می‌گوید: در ایران، معیارهای شکلی، فرمی و نوآوری‌ها معیار قضاوت درباره خوبی و بدی کارها قرار گرفته‌اند و کلیت فرمالیستی چنان بر مکاتب تصویرگری حاکم است که تناسب سنی اثر و مخاطب و ارتباط متن و تصویر گسسته شده است. ولی منظر دیگری هم برای برآورد خوبی و بدی تصویرسازی‌ها وجود دارد و آن زاویه‌ای است که مخاطب به کار نگاه می‌کند. مخاطب یعنی کسی به غیر از ما که چیزی را برای او روایت می‌کنیم و وقتی مخاطب ما کودک است باید از کلمات ساده‌تر استفاده کنیم چون قصد برقراری ارتباط با این مخاطب را داریم و برای چنین کاری مهم نیست ما چه میزان دانش و توانایی داریم بلکه ما باید خودمان را به دانش مخاطب محدود کنیم. متأسفانه

فرشید مثقالی از هنرمندان پیشگام تصویرسازی معاصر و برگزیده جایزه آندرسن سال ۱۹۷۴، درباره معیارهای تصویرسازی خوب در ایران می‌گوید: در ایران، معیارهای شکلی، فرمی و نوآوری‌ها معیار قضاوت درباره خوبی و بدی کارها قرار گرفته‌اند و کلیت فرمالیستی چنان بر مکاتب تصویرگری حاکم است که تناسب سنی اثر و مخاطب و ارتباط متن و تصویر گسسته شده است. ولی منظر دیگری هم برای برآورد خوبی و بدی تصویرسازی‌ها وجود دارد و آن زاویه‌ای است که مخاطب به کار نگاه می‌کند. مخاطب یعنی کسی به غیر از ما که چیزی را برای او روایت می‌کنیم و وقتی مخاطب ما کودک است باید از کلمات ساده‌تر استفاده کنیم چون قصد برقراری ارتباط با این مخاطب را داریم و برای چنین کاری مهم نیست ما چه میزان دانش و توانایی داریم بلکه ما باید خودمان را به دانش مخاطب محدود کنیم. متأسفانه

فرشید مثقالی از هنرمندان پیشگام تصویرسازی معاصر و برگزیده جایزه آندرسن سال ۱۹۷۴، درباره معیارهای تصویرسازی خوب در ایران می‌گوید: در ایران، معیارهای شکلی، فرمی و نوآوری‌ها معیار قضاوت درباره خوبی و بدی کارها قرار گرفته‌اند و کلیت فرمالیستی چنان بر مکاتب تصویرگری حاکم است که تناسب سنی اثر و مخاطب و ارتباط متن و تصویر گسسته شده است. ولی منظر دیگری هم برای برآورد خوبی و بدی تصویرسازی‌ها وجود دارد و آن زاویه‌ای است که مخاطب به کار نگاه می‌کند. مخاطب یعنی کسی به غیر از ما که چیزی را برای او روایت می‌کنیم و وقتی مخاطب ما کودک است باید از کلمات ساده‌تر استفاده کنیم چون قصد برقراری ارتباط با این مخاطب را داریم و برای چنین کاری مهم نیست ما چه میزان دانش و توانایی داریم بلکه ما باید خودمان را به دانش مخاطب محدود کنیم. متأسفانه

زمانی که علت را جو یا شدیم به صراحت اعلام کردند که در بررسی‌هایی که مادر هنر تصویرسازی دنیا کردیم به این نتیجه رسیدیم که امروزه سه کشور در سیستم آموزشی تصویرسازی پیش‌تاز بوده و رشد عجیبی داشته‌اند: چین،



در ایران اغلب معیارهای شکلی، فرمی و نوآوری‌ها معیار قضاوت درباره خوب و بدی تصویرسازی‌هاست؟

فرشید مثقالی از هنرمندان پیشگام تصویرسازی معاصر و برگزیده جایزه آندرسن سال ۱۹۷۴، درباره معیارهای تصویرسازی خوب در ایران می‌گوید: در ایران، معیارهای شکلی، فرمی و نوآوری‌ها معیار قضاوت درباره خوبی و بدی کارها قرار گرفته‌اند و کلیت فرمالیستی چنان بر مکاتب تصویرگری حاکم است که تناسب سنی اثر و مخاطب و ارتباط متن و تصویر گسسته شده است. ولی منظر دیگری هم برای برآورد خوبی و بدی تصویرسازی‌ها وجود دارد و آن زاویه‌ای است که مخاطب به کار نگاه می‌کند. مخاطب یعنی کسی به غیر از ما که چیزی را برای او روایت می‌کنیم و وقتی مخاطب ما کودک است باید از کلمات ساده‌تر استفاده کنیم چون قصد برقراری ارتباط با این مخاطب را داریم و برای چنین کاری مهم نیست ما چه میزان دانش و توانایی داریم بلکه ما باید خودمان را به دانش مخاطب محدود کنیم. متأسفانه

فرشید مثقالی از هنرمندان پیشگام تصویرسازی معاصر و برگزیده جایزه آندرسن سال ۱۹۷۴، درباره معیارهای تصویرسازی خوب در ایران می‌گوید: در ایران، معیارهای شکلی، فرمی و نوآوری‌ها معیار قضاوت درباره خوبی و بدی کارها قرار گرفته‌اند و کلیت فرمالیستی چنان بر مکاتب تصویرگری حاکم است که تناسب سنی اثر و مخاطب و ارتباط متن و تصویر گسسته شده است. ولی منظر دیگری هم برای برآورد خوبی و بدی تصویرسازی‌ها وجود دارد و آن زاویه‌ای است که مخاطب به کار نگاه می‌کند. مخاطب یعنی کسی به غیر از ما که چیزی را برای او روایت می‌کنیم و وقتی مخاطب ما کودک است باید از کلمات ساده‌تر استفاده کنیم چون قصد برقراری ارتباط با این مخاطب را داریم و برای چنین کاری مهم نیست ما چه میزان دانش و توانایی داریم بلکه ما باید خودمان را به دانش مخاطب محدود کنیم. متأسفانه

فرشید مثقالی از هنرمندان پیشگام تصویرسازی معاصر و برگزیده جایزه آندرسن سال ۱۹۷۴، درباره معیارهای تصویرسازی خوب در ایران می‌گوید: در ایران، معیارهای شکلی، فرمی و نوآوری‌ها معیار قضاوت درباره خوبی و بدی کارها قرار گرفته‌اند و کلیت فرمالیستی چنان بر مکاتب تصویرگری حاکم است که تناسب سنی اثر و مخاطب و ارتباط متن و تصویر گسسته شده است. ولی منظر دیگری هم برای برآورد خوبی و بدی تصویرسازی‌ها وجود دارد و آن زاویه‌ای است که مخاطب به کار نگاه می‌کند. مخاطب یعنی کسی به غیر از ما که چیزی را برای او روایت می‌کنیم و وقتی مخاطب ما کودک است باید از کلمات ساده‌تر استفاده کنیم چون قصد برقراری ارتباط با این مخاطب را داریم و برای چنین کاری مهم نیست ما چه میزان دانش و توانایی داریم بلکه ما باید خودمان را به دانش مخاطب محدود کنیم. متأسفانه

یک بار برگزار می‌شود که دو سال پیش دوره اول آن با استقبال بالایی برگزار شد و کتاب آن هم به چاپ رسید. به طوری که این کتاب اکنون جزو معدود منابع کتاب‌های تصویری محسوب می‌شود و با توجه به این تجربه موفق، امسال دومین دوره آن برگزار خواهد شد.

برپایه هفته تصویرگری ۹۸ بار دیگر فرصتی را فراهم کرده تا وضعیت و موقعیت این هنر را در این سال‌ها مرور کنیم.

معیارهای ارزیابی هنر تصویرگری شاید زیبایی‌شناسی و جنبه‌های هنری و خلاقانه تصویرسازی اولین تصویری باشد که از این هنر در ذهن‌ها شکل می‌گیرد. در این ارتباط تصویرگران ایرانی در این سال‌ها چه دستاوردهایی داشته‌اند؟

سید محمد فدوی، استاد دانشکده هنرهای تجسمی پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران، درباره موقعیت هنر تصویرگری ایران در این سال‌ها می‌گوید: هنر تصویرگری امروز مانده تنها پیشرفته‌است بلکه می‌توانم بگویم

سید محمد فدوی، استاد دانشکده هنرهای تجسمی پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران، درباره موقعیت هنر تصویرگری ایران در این سال‌ها می‌گوید: هنر تصویرگری امروز مانده تنها پیشرفته‌است بلکه می‌توانم بگویم

بهر روز فانتزیان

هفته تصویرگری ۹۸ از یازدهم آبان ماه در خانه هنرمندان ایران آغاز به کار کرده است. در این دوره در نمایشگاه «ما تصویرگر هستیم»، آثار اعضای انجمن تصویرگران ایران با موضوع «یادداشت‌های روزانه یک تصویرگر» به نمایش و فروش گذاشته شده است. همچنین نمایشگاهی از آثار تصویرگری علی اکبر صادقی، کریم نصر و مریم محمودی مقدم منتخبین نشان آبان سال گذشته نیز برپا شده است. نمایشگاهی از آثار محمد بهرامی هنرمند تأثیرگذار در تصویرگری بهار خانه هنرمندان ایران همزمان با آغاز هفته تصویرگری افتتاح شد و در جریان برگزاری این رویداد دومین همایش کتاب‌های تصویری هم برگزار می‌شود. بخش همایش کتاب‌های تصویری هر دو سال

یادداشت

انجمن عکاسان ایران به چه می‌اندیشد؟

ضرورت رویکردهای جدید و خلاقانه در عکاسی ایران

فرزاد هاشمی

زمانی که انجمن عکاسان ایران تشکیل شد، عده‌ای در ضرورت تشکیل انجمن با وجود انجمن‌های تخصصی عکاسان تردید داشتند، انجمن با هدف شکل‌گیری یک تشکل فراگیر برای عکاسان که جامعه عکاسی را یکپارچه و منسجم کند تشکیل شد. با این نگاه فضای نمایش عکس‌های شاخه‌های مختلف عکاسی و انجمن‌های تخصصی فراهم شد و هر سال با عکس‌های تکراری بارش اندک مواجه بودیم. در واقع گویا انجمن عکاسان ایران فضایی فراهم می‌کرد تا انجمن‌های تخصصی کارهایی را نمایش دهند، در حالی که انجمن‌های تخصصی در انجمن خود مسائل عکاسی با نگاه تخصصی را دنبال می‌کنند. امروز نیاز است که به نگاه‌های جدید و نگاه خلاقانه در عکاسی توجه شود. تعریف هنرمند و هنرمند عکاس در مفهوم و ارائه در حال تغییر است، امروز عنوان هنرمند مطرح است نه شاخه‌های مختلف هنری مستقل که تاکنون مطرح بوده، این موضوع لازم است در تعامل و گفتگوی جامعه هنری نه فقط یک شاخه هنری تبیین شود تا بستری برای جریان هنر که مبتنی بر ایده، پژوهش و نظریه و خلاقیت است، فراهم شود. امروز لازم است در کنار

مسائل صنفی عکاسان دنیای جدیدی که در هنر جهان شکل گرفته مورد توجه عکاسان قرار بگیرد. البته بعضی از عکاسان ایران با توجه به جریان معاصر هنر و با این نگاه فعالیت می‌کنند اما این نگاه و رویکرد باید در جامعه عکاسی جاری شود.

ضرورت تشکیل انجمن عکاسان ایران این بود که عکاسی هنری کشور متولی داشته باشد، چون عکاسی هنری متولی نداشت. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ابزار کنترل و بودجه و اعتبار داشت اما نمی‌توانست متولی عکاسی باشد. نمایشگاه‌های کوچکی برگزار می‌شد و نهادهایی مسابقه‌ها و جشنواره‌های عکس برگزار می‌کردند اما کمکی به روند عکاسی جدی نمی‌کرد. انجمن سینمای جوان نیز که پیش از آن به فیلم‌سازی و عکاسی می‌پرداخت، در آن سال‌ها عکاسی را به دلیل اینکه بازده نداشت از فعالیت خود حذف کرده بود. البته در سال‌های اخیر عکاسی در انجمن سینمای جوان دوباره دنبال می‌شود. بنابراین تشکیل انجمن عکاسان ایران در این شرایط به منظور این بود که هنرمندان عکاس کنار هم قرار بگیرند و خواسته‌های خود را در داخل و خارج از کشور دنبال و عملی کنند و خواسته‌های جامعه عکاسی از دولت مطالبه شود.

شخص از عکس یک عکاس که پیش از این خیلی چشمگیر و مسئله مهمی بود در حال تغییر است چون رسانه و به‌ویژه رسانه تصویر امروز چنان قدر تمند شده است که استفاده از عکس دیگران به سرعت آشکار می‌شود. بنابراین مسابقه‌ها و جشنواره‌هایی که با هدف به دست آوردن تعداد زیادی عکس و استفاده از آن‌ها برگزار می‌شد، در حال کاهش است. جریانی که در استفاده از عکس عکاسان رواج داشت، کاهش یافته و این مطالبه به عنوان یک خواسته جامعه عکاسی در حال از بین رفتن است.

هنر معاصر در جهان و ایران به سمتی می‌رود که یکپارچگی ایجاد شود. در هنر معاصر مرزهای بین شاخه‌های هنری مستقل از بین رفته است و عکاسی فراتر از اندیشه‌ای که قبلاً داشت باید هنرهای دیگر را بشناسد. عکس یا هر اثری که بیان هنری می‌شود که مبتنی بر ایده و خلاقیت است فارغ از اینکه اثر عکس یا اثر دیگری است و در واقع هنر مطرح است. بخشی از توان هیات مدیره انجمن برای این موضوع و هم‌راستایی با جریان هنر در جهان و ایران صرف شده است.

اما انتظار است که اعضای انجمن نیز خود را در برابر جامعه عکاسی موظف بدانند. متأسفانه در کشور ما این فرهنگ وجود دارد که افراد با عضویت در یک نهاد مدنی انتظار منفعتی دارند، این نگاه باید تغییر کند و افراد با انگیزه و هدف خدمت و کمک به جامعه تخصصی نهاد مدنی به یک انجمن یا تشکل وارد شوند، هم‌افزایی کنند و برای موضوع فعالیت نهاد مدنی تلاش کنند.